

مقایسه سبک های دلبستگی و سبکهای عشق ورزی در والدین دارای کودک عقب مانده ذهنی و والدین دارای کودک عادی

تاریخ دریافت مقاله : ۹۲/۱۰/۲۶

تاریخ پذیرش مقاله : ۹۲/۱۱/۸

* غلامرضا محمودی

** فاطمه گلشنی

*** مهتاب نوروزیان

چکیده

پایان نامه حاضر با هدف مقایسه سبک های دلبستگی و سبکهای عشق ورزی در والدین دارای کودک عقب مانده ذهنی و والدین دارای کودک عادی انجام شده است. نمونه این پژوهش شامل ۲۰۰ زوج می باشند که با استفاده از روش نمونه گیری هدفمند، ۱۰۰ زوج در گروه والدین دارای کودک عادی و ۱۰۰ زوج در گروه والدین دارای کودک عقب مانده ذهنی که به مراکز آموزشی و بهزیستی کودکان عقب مانده ذهنی در مناطق ۸، ۵، ۳، ۱ شهر تهران مراجعه کردند، انتخاب گردیدند. به منظور جمع آوری داده‌ها از پرسش نامه های سبک عشق ورزی استرنبرگ (۱۹۸۶) و پرسشنامه سبک دلبستگی کونیزورید (۱۹۹۰) استفاده شد. نتایج نشان می‌دهد: بین سبک عشق ورزی در والدین دانش آموزان عادی و عقب مانده تفاوت معنی دار وجود دارد و در خرده مقیاسهای سبک عشق ورزی (صمیمیت، شور و تعهد)، والدین دانش آموزان عادی نمرات بالاتری از والدین دانش آموزان عقب مانده ذهنی دارند. بین میانگین سبکهای دلبستگی ایمن، اجتنابی، دو سوگرا در والدین دانش آموزان عادی و عقب مانده تفاوت معنادار آماری وجود دارد، میانگین سبک های دلبستگی ایمن و اجتنابی در والدین دانش آموزان عادی بالاتر ولی در سبک دلبستگی دوسوگرا، والدین دانش آموزان عقب مانده ذهنی نمرات بالاتری دارند. بین سبکهای دلبستگی و عشق ورزی در هر دو گروه والدین، همبستگی مثبت معنادار وجود دارد. همچنین در گام اول فقط سبک دلبستگی ایمن قادر به پیش بینی عشق ورزی در والدین دانش آموزان عادی و عقب مانده ذهنی است.

واژه های کلیدی: سبک دلبستگی، سبک عشق ورزی، والدین دارای کودک عقب مانده ذهنی

Dr.mahmoudi_psy.@gmail.com

mahtab.noroozian23@gmail.com

* استادیار گروه روان شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

** استادیار گروه روان شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

*** کارشناس ارشد روان شناسی کودکان استثنائی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

مقدمه

فرزندآوری یکی از اهداف اساسی تشکیل زندگی مشترک است. فرآیند تولد فرزند با تمام سختی‌ها و مشکلاتی که به همراه دارد برای والدین شیرین و لذت بخش می‌باشد. اگرچه تولد یک کودک کم‌توان ذهنی و یا تشخیص چنین وضعیتی در مراحل بعدی باعث یاس و ناامیدی والدین شده و مانع آن می‌شود که خانواده بتواند کارکردهای متعارف از جمله تأمین محیط دلپذیر برای اعضاء و ایجاد پایگاهی برای برقراری روابط اجتماعی اعضاء با دیگران را به نحوی مطلوب داشته باشد. وجود کودک معلول می‌تواند ضایعات و اثرات جبران ناپذیری بر وضعیت بهداشت روانی خانواده داشته باشد. پدر و مادر ممکن است از داشتن چنین فرزندی به شدت رنج ببرند و دچار حالاتی همچون افسردگی، اضطراب، پرخاشگری، ترس و خجالت شوند و حتی آرزوی مرگ داشته باشند (بانی، ۱۳۸۰).

پژوهش‌های بسیاری نشان داده‌اند که حضور کودک عقب مانده ذهنی مانع از ادامه زندگی طبیعی خانواده می‌شود. این خانواده‌ها با پی بردن به ناتوانی فرزند خود دچار بحران گشته و در نتیجه واکنش‌هایی نشان می‌دهند که آن جمله باید به مشکلات زناشویی، طلاق و افسردگی پدر و مادر اشاره کرد (کامینگز^۱، ۱۹۶۲؛ برادشاو^۲ و لاتون^۳، ۱۹۷۸؛ بردن^۴، ۱۹۸۰؛ نقل از آزموده، ۱۳۸۸). همچنین کازاک^۵ (۱۹۸۷)، اسلوپر^۶ و ترنر^۷ (۱۹۹۳)، در پژوهش‌های خود بر روی والدین کودک عقب مانده ذهنی و مقایسه آنان با والدین کودکان عادی نشان دادند که والدین کودکان ناتوان، فشار روانی، عملکردهای منفی و ناسازگاری خانوادگی، درماندگی، فشارهای هیجانی، خشم، ناامیدی، احساس گناه و فشارهای مالی بیشتری را نسبت به والدین کودکان عادی گزارش کرده‌اند (آین، ۱۳۸۸).

اریکسون^۸ و آپشور^۹ (۱۹۸۹)، هانت^{۱۰} و مارشال^{۱۱} (۱۹۹۴) معتقدند که تمام روابط درون خانواده، می‌تواند به وسیله حضور یک کودک استثنایی، اثر بپذیرند. آنها معتقدند از نقطه نظر سیستماتیک، آسیب‌پذیری روابط زناشویی در روابط بین والدین کودکان ناتوانی کاملاً مشهود است. زیرا تولد فرزند معلول می‌تواند روابط زناشویی و زوجین را تغییر دهد. زیرا غالب اوقات والدین صرف نوزاد یا کودک ناتوان می‌شود و احتمالاً فرصت برای پرداختن و توجه به همسر کم و کمتر می‌گردد. پژوهش‌های متعددی مثل کازاک و کریستالیک^{۱۲} (۱۹۹۴)، فلویید و زمیچ^{۱۳} (۱۹۹۱)، بلسکی، لانگ^{۱۴} و وین^{۱۵} (۱۹۸۵) نشان دادند که بیشتر شرکای زناشویی کاهش در رضایت از

^۱ Cummings

^۲ Bradshaw

^۳ Lawton

^۴ Burden

^۵ Kazak

^۶ Slowper

^۷ Terner

^۸ Erikson

^۹ Apschour

^{۱۰} Hant

^{۱۱} Marshal

^{۱۲} Cristalik

^{۱۳} Floyd & Zemich

^{۱۴} Belesky, Long

^{۱۵} Vione

ازدواج را در سال های بعد از تولد کودک عقب مانده حس می کنند و نسبت به والدین و دارای کودکان عادی گرفتار تنش و خصومت بیشتری نسبت به هم بوده اند و از یکدیگر نیز بیشتر دوری کرده اند (افروز، ۱۳۷۲).

نظر به اهمیت نقش خانواد در تربیت و پرورش کودکان عقب مانده ذهنی و مشکلاتی که در اینگونه خانواده ها به آنها اشاره گردید، لازم است چگونگی روابط زوجین و احساسات آنان نسبت به یکدیگر، سبک دلبستگی^{۱۶} و سبک عشق ورزی^{۱۷} آنان پس از تولد یک کودک عقب مانده ذهنی مورد بررسی قرار گیرد.

نظریه دلبستگی را بی شک بایستی یکی از برجسته ترین دستاوردهای روانشناسی معاصر به حساب آورد. دلبستگی پیوند عاطفی نسبتاً پایداری است که بین کودک و یک یا تعداد بیشتری از افرادی که در تعامل دائم با آنها می باشد ایجاد می شود. بالبی^{۱۸} (۱۹۸۰) معتقد بود که "نظریه دلبستگی" فقط نظریه تحول کودک نیست، بلکه نظریه تحول در "گسترده حیات" نیز هست. یعنی سبک های دلبستگی ایجاد شده در دوران کودکی که عبارتند از: دلبستگی ایمن، دلبستگی نایمن اجتنابی و دلبستگی نایمن دوسوگرا تداوم نسبی خود را تا بزرگسالی ادامه می دهند همچنان به مراحل بعدی زندگی تداوم می یابد و زندگی فرد را تحت تاثیر قرار می دهد، اما در بزرگسالی ممکن است منبع تغییر یابد و دلبستگی به همسر، جایگزین دلبستگی به مادر گردد. برای مثال پژوهش لاروس^{۱۹}، تارابولسی^{۲۰} و برنیر^{۲۱} (۲۰۰۵) نشان می دهد کودکانی که فاقد الگوهای صحیح دلبستگی باشند، اغلب عصبی، ستیزه جو و ضداجتماعی هستند و به عنوان والدینی رشد می یابند که قادر نیستند رابطه محکم و صحیحی با فرزندان خود داشته باشند. همچنین دیتزن^{۲۲} و همکاران (۲۰۰۸) در پژوهش خود نشان دادند، مادران نایمن در تعامل با فرزندان خود، کم تر از مادران دلبسته ایمن، گرم، حمایت کننده و حساس هستند و در حل مسایل به کودکان خود کمک کم تری می کنند. همچنین این مادران در رفتارهای مادرانه و فرزندپروری خود، ویژگی هایی همچون درگیر شدن کم، منفی گرایی، فقدان پاسخ گویی به علایم فرستاده شده از سوی کودک و وارد شدن به حریم کودک را دارند. به همین دلیل این کودکان به طور مستمر از تنها ماندن می ترسند، زیرا مادران آنها پایگاه قابل اطمینانی در ارضاء نیازهای آنان نیستند؛ لذا دید منفی از خود و دیگران داشته و نیز دنیا را محلی ناامن می دانند.

پژوهشهای متعدد دیگری نیز نشان داده اند، سبکهای دلبستگی، پیش بینی کننده بسیار قدرتمندی در رابطه با مسائل مختلف دوران بزرگسالی از جمله کیفیت روابط زناشویی و روابط عشقی، انگیزش جنسی می باشند (میکولینسر و شیور، ۲۰۰۷). براساس نظریه دلبستگی سیستم های شناختی تحت عنوان الگوهای فعال، تاثیر عمیقی بر رویکرد افراد نسبت به عشق می گذارند. الگوهای فعال^{۲۳} می توانند شامل دیدگاه های مثبت یا منفی از خویش و دیگران باشد. به نظر بارتولومبو^{۲۴} (۱۹۹۰)؛ به نقل از حافظ الکتب، (۱۳۸۹) افراد دلبسته ایمن، باورهای مثبتی در مورد خود و دیگران دارند، رفتار آنها صمیمانه و بدون نگرانی از رها شدن است، از روابط رضایت بخشی برخوردارند و ارتباطاتشان تداوم بیشتری می یابد. اشخاص دارای دلبستگی ایمن الگوهای فعالی دارند که شانس آنها را در تجربه

^{۱۶} Attachment Style

^{۱۷} Love style

^{۱۸} Bowlby

^{۱۹} Larose

^{۲۰} Tarabulsky

^{۲۱} Bernier

^{۲۲} Ditzen

^{۲۳} Working Model

^{۲۴} Bartelombo

عشق پخته و حفظ شادی و سلامتی بالا می برد. همچنین هازن^{۲۵} و شیور^{۲۶} (۱۹۸۷) بیان کردند که هر یک از این سبک‌های دلبستگی می تواند با انواع روابط عشقی مرتبط باشد. به این ترتیب که افراد دارای سبک دلبستگی ایمن به دیگران اعتماد دارند. به آسانی رابطه برقرار می کنند، بی دلیل نگران طرد شدن نیستند و از ارتباطات خود با دیگران لذت می برند، مورد اعتماد بوده و دارای ثبات هستند و در روابطه شان لذت، صداقت و رفاقت وجود دارد. افراد دارای سبک دلبستگی اجتنابی هنگام برقراری ارتباط با دیگران مضطرب شده، تمایلی به اتکاء به دیگران نشان نمی دهند، از انتظار صمیمیت زیاد با همسر یا نزدیکان خود می هراسند و کناره گیر و غیر مسئول هستند و افراد دارای سبک دوسوگرا (مضطرب-ناایمن) تمایل دارند به شریک زندگی خود کاملاً تکیه کنند در حالیکه مضطرب و نامطمئن هستند. فریکر^{۲۶} (۲۰۰۶) در پژوهشی نشان داد که افرادی که سبک دلبستگی آنها ناایمن اجتنابی بوده، تعهد کمتر و میزان رضایت پایین تری در روابط زناشویی داشتند، و برعکس، افراد با سبک دلبستگی ایمن، از رضایت و تعهد بیشتری در روابط زناشویی برخوردار می باشند.

با توجه به این مطالب که تغییر در سبک دلبستگی، تغییر در سبک عشق ورزی را به دنبال دارد. در مورد وضعیت دلبستگی والدین کودک عقب مانده ذهنی با توجه به استرس ها و فشارهای جسمی، روانی زیادی که با آن مواجه می شوند، احتمالاً وضعیت خانواده بی ثبات می گردد، کیفیت دلبستگی آنها تغییر می کند، آسیب پذیر می شود و تضعیف می گردد که به دنبال آن در سبک عشق ورزی آنها تغییر به وجود خواهد آورد.

نظریات و دیدگاه های مختلفی توسط روانشناسان درباره عشق مطرح شده است. به طور کلی به نظر آنها انسان‌های عاشق از دستگاه ایمنی بسیار فعال برخوردار و نسبت به زندگی نیز امیدواری بیشتری دارند و عاشق شدن باعث تغییرات بسیار مثبت در خود پنداره فرد و افزایش عزت نفس و خود کارآمدی می شود (فرانکن^{۲۷}، ترجمه شمس آباد و دیگران، ۱۳۸۴).

یکی از نظریات مهم در خصوص عشق، نظریه استرنبرگ^{۲۸} (۱۹۸۶؛ نقل از دویر^{۲۹}، ۲۰۰۰) است. وی یک نظریه سه وجهی را ارائه داده است. که شامل (۱) صمیمیت: این جز مشتمل بر خود فاش سازی، شراکت، درک متقابل و حمایت هیجانی است که گرمی و اعتماد را در یک رابطه ایجاد می کند (۲) شهوت: این جزء شامل کشش جسمانی، تمایل جنسی، برانگیختگی فیزیولوژیایی است (۳) تصمیم و تعهد: این جزء مشتمل بر تصمیم کوتاه مدتی است که یک نفر عاشق فردی شده است و تعهد بلند مدتی برای حفظ این عشق و عاشق ماندن آن فرد دارد. در نهایت استرنبرگ عنوان می کند مؤلفه های (صمیمیت، شهوت، تصمیم/تعهد) به شکل های متفاوت با هم تلفیق و ترکیب می شوند تا ۷ نوع گوناگون سبک عشق ورزی به وجود آید که شامل ۱-فقدان عشق ۲- دوست داشت ۳- عشق پوچ ۴- عشق رومانتیک ۵-عشق همدلانه ۶- عشق احمقانه ۷-عشق کامل آرمانی می باشند.

فینی^{۳۰} (۱۹۹۱؛ نقل از کسیدی^{۳۱} و شیور^{۳۲}، ۱۹۹۹) روابطی میان سبک های عشق ورزی، از جمله اشکال ناپخته عشق مثل عشق اعتیادآور و مجنون وار و سبک‌های دلبستگی یافت. او همچنین همبستگی های مثبتی بین مانیای،

^{۲۵} Hazan & Shaver

^{۲۶} Fricker

^{۲۷} Franken

^{۲۸} Sterenbergs

^{۲۹} Dwyer

^{۳۰} Feeny

^{۳۱} Cassidy

^{۳۲} Shaver

عشق اعتیادآور و عشق مجنون وار بدست آورد. به نظر می‌رسد اشکال نابسندۀ عشق مانند عشق اعتیادآور و مجنون وار بیشتر توسط افراد مضطرب و دلواپس در روابط تجربه می‌شود. از طرف دیگر افراد ایمن، باورهای مثبتی در مورد خویش و دیگران دارند، از روابط رضایت بخشی برخوردارند و ارتباطاتشان تداوم بیشتری می‌یابد و الگوهای فعالی دارند که شانس آن‌ها را در تجربه عشق پخته و حفظ شادی و سلامتی بالا می‌برد.

لازم به ذکر است برخی از پژوهشگران نیز بر این باورند اعتماد که اساس صمیمیت با عاشق است بستگی به میزان ایمنی دلبستگی‌های اولیه - دلبستگی‌ها به والدین یا مراقبین در دوران شیرخوارگی و کودکی - دارد (دی انجلز^{۳۳}، ۱۹۹۴؛ نقل از براون^{۳۴} و آماتیا^{۳۵}، ۲۰۰۰). همچنین پژوهش‌مورای و همکاران (۲۰۰۱)؛ نقل از آزموده، ۱۳۸۸) در ایالات متحده آمریکا نتایج نشان داد که افراد دارای سبک دلبستگی نا ایمن مضطرب، میزان عشق همسرانشان را نسبت به خودشان ناچیز فرض می‌نمایند و رضایت کمتری نیز از روابط زناشویی و عشق همسرشان دارند.

همچنین نتایج پژوهش هولیست^{۳۶} و میلر^{۳۷} (۲۰۰۵؛ نقل از رضازاده، ۱۳۸۸) نشان می‌دهد، افرادی که سبک دلبستگی ایمن دارند، عزت نفس بالا، توانایی ایجاد و حفظ رابطه صمیمی و نزدیک با دیگران دارند و افرادی که دارای سبک دلبستگی نایمن اجتنابی هستند خود را غیر قابل دوست داشتن می‌دانند و بیش از حد به تایید اجتماعی وابسته هستند.

با توجه به مسائل فوق در این پژوهش سبک دلبستگی و عشق ورزی والدین به عنوان عوامل کلیدی در رشد شناختی - عاطفی کودک در والدین دارای کودک عادی و والدین دارای کودک عقب مانده ذهنی مقایسه شده است.

روش پژوهش

با توجه به هدف پژوهش، طرح این پژوهش در حیطه تحقیقات توصیفی جای می‌گیرد و به دلیل اینکه هیچ کدام از متغیرهای تحقیق مورد دستکاری واقع نشده اند از روش پس رویدادی استفاده شده است. جامعه پژوهش حاضر شامل کلیه والدین دارای کودک عقب مانده ذهنی و والدین دارای کودک عادی ۱۰-۷ سال مناطق ۱-۳-۵-۸ شهر تهران است. با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند در گروه والدین دارای کودک عقب مانده ذهنی از میان والدین دارای کودک عقب مانده ذهنی ۱۰-۷ سال که به مراکز آموزشی و بهزیستی کودکان عقب مانده ذهنی واقع در مناطق ۸ و ۵ و ۳ و ۱ مراجعه می‌کنند، ۱۰۰ زوج و در گروه والدین دارای کودک عادی نیز ۱۰۰ زوج که دارای کودک عادی ۱۰-۷ سال بودند از ۴ مدرسه در همان مناطق به عنوان نمونه انتخاب شدند که روی هم ۲۰۰ زوج را تشکیل دادند. ابزارهای مورد استفاده در این پژوهش شامل پرسشنامه دلبستگی RAAS^{۳۸} کولنیزورید (۱۹۹۰) و مقیاس عشق استرنبرگ (۱۹۸۶) می‌باشند. در این پژوهش کیفیت دلبستگی، براساس پاسخدهی به سئوالات آزمون دلبستگی RAAS تعیین گردیده است. سئوالات این آزمون سه نوع سبک دلبستگی را مورد بررسی قرار می‌دهند: ۱- دلبستگی ایمن ۲- دلبستگی نایمن اجتنابی ۳- دلبستگی نایمن دوسوگرا. این پرسشنامه مشتمل بر ۱۸ ماده می‌باشد که از طریق علامت‌گذاری روی یک مقیاس ۵ درجه‌ای از نوع لیکرت، سبک دلبستگی سنجیده می‌شود.

۳۳ Dianjelz

۳۴ Brown

۳۵ Amateai

۳۶ HOLLIST

۳۷ MILLER

۳۸ Revised Adult Attachment Scale (Raas)

پژوهش‌های متعدد، اعتبار قابل قبولی را برای این پرسشنامه با استفاده از شیوه آزمون-آزمون مجدد بدست آورده‌اند. به طور مثال در مورد سنجش مقوله RAAS از طریق آزمون-آزمون مجدد، همبستگی ۰/۷۰ و در مقیاس‌های پیوسته که درجه‌بندی توصیف‌ها در آن صورت می‌گیرد، اعتبار RAAS آزمون-آزمون مجدد که برای درجه‌بندی متغیرهای سه گانه برآورده شده است، ۰/۶۰٪ در طول محدوده زمانی ۱ تا ۸ هفته بوده است (صدقی، ۱۳۷۵). لازم به ذکر است در پژوهش حاضر به منظور محاسبه همگونی درونی سئوالات آزمون، ضریب آلفای کرونباخ برای سبک ایمن ۰/۸۸، سبک اجتنابی ۰/۹۰ و سبک دوسوگرا ۰/۹۱ محاسبه شد.

مقیاس عشق استرنبرگ: این پرسشنامه توسط رابرت استرنبرگ در سال ۱۹۸۶ تهیه شده است و دارای ۴۵ سؤال می‌باشد که شامل سه جزء صمیمیت، هیجان، تعهد است. در پاسخ به آن از یک مقیاس ۹ درجه‌ای استفاده شده است. پس از مشخص شدن این که فرد در هر خرده مقیاس نمره ضعیف یا قوی به دست آورده است، سبک عاشقانه او مشخص می‌شود. استرنبرگ هشت سبک عشق‌ورزی را مشخص کرده که عبارتند از: فقدان عشق، همدلی، شیفتگی، عشق خالی، عشق رومانتیک، عشق عاطفی، عشق ساده‌لوحانه و عشق آرمانی (استرنبرگ، ۱۹۹۸).

استنبرگ (۱۹۹۲؛ نقل از پاتو، ۱۳۸۱) آلفای کرونباخ این آزمون را ۰/۹۰٪ ذکر کرده است. همچنین برای محاسبه روایی این پرسشنامه از روش تحلیل همبستگی متقابل استفاده شده است. این همبستگی در درجه بندی مبتنی بر خصیصه‌ای در خرده مقیاس صمیمیت و تعهد ۰/۷۳٪ و هیجان ۰/۷۱٪ و در درجه بندی مبتنی بر مهم بودن در خرده مقیاس‌های صمیمیت و تعهد ۰/۷۳٪ و هیجان ۰/۶۸٪ و هیجان و تعهد ۰/۴۶٪ به دست آمد و همبستگی در این دو درجه بندی بین ۳۶ تا ۰/۶۰٪ بود. در پژوهش حاضر به منظور محاسبه اعتبار آزمون، ضریب آلفای کرونباخ برای صمیمیت ۰/۹۳، هیجان ۰/۹۵، تعهد ۰/۹۶ و کل پرسشنامه ۰/۹۵ محاسبه شد.

یافته ها

جدول ۱: شاخص‌های توصیفی نمرات پرسشنامه سبک‌های دلبستگی در دو گروه والدین دانش آموزان عادی و عقب مانده ذهنی

سبک دلبستگی	گروه	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	حداقل	حداکثر
ایمن	عادی	۱۰۰	۱۶/۷۰	۳/۹۳	۳/۰۰	۲۳/۰۰
	عقب مانده	۱۰۰	۱۱/۳۶	۶/۳۴	۱/۰۰	۲۱/۰۰
اجتنابی	عادی	۱۰۰	۶/۲۴	۵/۰۵	/۰۰	۱۸/۰۰
	عقب مانده	۱۰۰	۱۱/۸۱	۵/۶۳	۱/۰۰	۲۳/۰۰
دوسوگرا	عادی	۱۰۰	۹/۵۴	۵/۹۳	۱/۰۰	۲۲/۰۰
	عقب مانده	۱۰۰	۱۲/۹۰	۶/۵۲	۱/۰۰	۲۴/۰۰

نتایج جدول ا نشانگر آن است که بطور کلی میانگین سبک‌های دلبستگی ایمن در والدین دانش آموزان عادی بالاتر از والدین دانش آموزان عقب مانده است و میانگین سبک‌های دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا در والدین دانش آموزان عقب مانده بالاتر از والدین دانش آموزان عادی است.

جدول ۲: شاخص‌های توصیفی نمرات پرسشنامه سبک‌های عشق‌ورزی در والدین دانش آموزان عادی و عقب مانده ذهنی

سبک عشق ورزی	گروه	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	حداقل	حداکثر
صمیمیت	عادی	۱۰۰	۵۷/۱۸	۱۸/۴۲	۲۷/۰۰	۱۱۵/۰۰
	عقب مانده	۱۰۰	۴۲/۳۵	۱۰/۲۳	۲۶/۰۰	۷۸/۰۰
هیجان (شور)	عادی	۱۰۰	۵۱/۱۵	۲۰/۷۸	۱۷/۰۰	۱۱۷/۰۰
	عقب مانده	۱۰۰	۲۹/۸۶	۹/۱۰	۲۰/۰۰	۸۶/۰۰
تعهد	عادی	۱۰۰	۹۵/۰۴	۱۹/۰۶	۲۶/۰۰	۱۲۹/۰۰
	عقب مانده	۱۰۰	۷۵/۷۷	۲۵/۳۲	۲۸/۰۰	۱۰۹/۰
نمره کل عشق ورزی	عادی	۱۰۰	۲۰۳/۳۷	۳۹/۲۰	۹۰/۰۰	۳۳۱/۰۰
	عقب مانده	۱۰۰	۱۴۷/۹۸	۳۴/۵۱	۸۰/۰۰	۲۲۶/۰۰

نتایج جدول ۲ نشانگر آن است که بطور کلی میانگین کل سبک های عشق ورزی و خرده مقیاس های عشق ورزی در والدین دانش آموزان عادی بالاتر از والدین دانش آموزان عقب مانده است. قابل ذکر است که بدلیل عدم برقراری مفروضه همسانی ماتریس کوواریانس ها (Box's M) از آزمون آماری تحلیل واریانس چند متغیری MANOVA استفاده نشده است.

جدول ۳: مقایسه عشق ورزی در والدین دانش آموزان عادی و عقب مانده

متغیر	گروه	میانگین	انحراف استاندارد	F	Sig	t	df	Sig
عشق ورزی	عادی	۲۰۳/۳۷	۳۹/۲۰	۰/۷۲۸	۰/۳۹۵	۱۰/۶۰۶	۱۹۸	۰/۰۰۱
	عقب مانده	۱۴۷/۹۸	۳۴/۵۱					

چنانکه نتایج جدول ۳ نشان می دهد با توجه به برقراری مفروضه همسانی واریانس ها و با توجه به اینکه t محاسبه شده برای مقایسه میانگین نمره کل عشق ورزی در والدین دانش آموزان عادی و عقب مانده در سطح $0/01$ معنادار است. بنابر این می توان نتیجه گیری کرد که بین میانگین های کل عشق ورزی در والدین دانش آموزان عادی و عقب مانده تفاوت معنا دار وجود دارد.

جدول ۴: مقایسه عشق ورزی در والدین دانش آموزان عادی و عقب مانده

متغیر	گروه	میانگین	انحراف	F	Sig	t	df	Sig
-------	------	---------	--------	---	-----	---	----	-----

		استاندارد					
۰/۰۰۱	۱۵۴/۷۵	۷/۰۳۸	۰/۰۰۱	۲۵/۹۹۶	۱۸/۴۲	۵۷/۱۸	صمیمیت عادی
					۱۰/۲۳	۴۲/۳۵	عقب مانده
۰/۰۰۱	۱۳۵/۵۹	۹/۳۸۶	۰/۰۰۱	۶۳/۵۹۷	۲۰/۷۸	۵۱/۱۵	شور عادی
					۹/۱۰	۲۶/۸۶	عقب مانده
۰/۰۰۱	۱۸۳/۹۳	۶/۰۸۰	۰/۰۰۱	۲۸/۷۲۶	۱۹/۰۶	۹۵/۰۴	تعهد عادی
					۲۵/۳۲	۷۵/۷۷	عقب مانده

چنانکه در جدول ۴ مشاهده می‌شود، با توجه به عدم برقراری مفروضه همگنی واریانس‌ها، t های محاسبه شده برای خرده مقیاس‌های صمیمیت، شور و تعهد در سطح کمتر از ۰/۰۱ معنا دار می‌باشد. بنابراین این می‌توان نتیجه‌گیری کرد که بین میانگین‌های سبک‌های عشق و رزی صمیمیت، شور و تعهد در والدین دانش‌آموزان عادی و عقب مانده تفاوت معنا دار وجود دارد.

جدول ۵: مقایسه سبک‌های دلبستگی در والدین دانش‌آموزان عادی و عقب مانده

متغیر	گروه	میانگین	انحراف استاندارد	F	Sig	t	df	Sig
ایمن	عادی	۱۶/۷۰	۳/۹۳	۵۱/۰۸	۰/۰۰۱	۷/۱۵۴	۱۶۵/۲۸	۰/۰۰۱
	عقب مانده	۱۱/۳۶	۶/۳۴					
اجتنابی	عادی	۶/۲۴	۵/۰۵	۵/۸۰۱	۰/۳۷۲	-۷/۳۶۴	۱۹۸	۰/۰۰۱
	عقب مانده	۱۱/۸۱	۵/۶۳					
دوسوگرا	عادی	۹/۵۴	۵/۹۳	۴/۶۸۵	۰/۰۳۲	-۳/۸۱۲	۱۹۶/۲۲	۰/۰۰۱
	عقب مانده	۱۲/۹۰	۶/۵۲					

چنانکه در جدول ۵ مشاهده می‌شود، با توجه به برقراری مفروضه همسانی واریانس‌ها برای سبک اجتنابی و عدم برقراری مفروضه همسانی واریانس‌ها برای سبک ایمن و دوسوگرا، t های محاسبه شده برای سبک‌های دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا در سطح کمتر از ۰/۰۱ معنا دار می‌باشد. بنابراین این می‌توان نتیجه‌گیری کرد که بین میانگین‌های سبک‌های دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا در والدین دانش‌آموزان عادی و عقب مانده تفاوت معنا دار وجود دارد.

جدول ۶: نتایج ضریب همبستگی برای رابطه سبک‌های دلبستگی و عشق و رزی

متغیرها	گروه
	عادی (n=۱۰۰)
	گروه عقب مانده (n=۱۰۰)

۰/۳۸۹**	۰/۲۴۳*	ایمن - عشق ورزی
-۰/۱۲۰	-۰/۱۴۴	دوسوگرا - عشق ورزی
۰/۱۳۵	-۰/۲۰۵*	اجتنابی - عشق ورزی
=P<0/01 , *P<0/05		

نتایج جدول ۶ نشان می‌دهد که در گروه والدین دانش آموزان عادی و عقب مانده ذهنی بین نمرات سبک دلبستگی ایمن با عشق ورزی همبستگی مثبت معنی دار در سطح ۰/۰۵ وجود دارد.

جدول ۷: نتایج معنی داری مدل رگرسیون برای پیش بینی عشق ورزی

گروه	گام	منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	R	R ²	F	سطح معنی داری
عادی	گام اول	رگرسیون	۸۵۸۹/۹۰	۱	۰/۲۴۳	۰/۰۵۹	۶/۱۵۲	۰/۰۱۵
		باقیمانده	۱۴۳۱۴۹/۴۰	۹۸				
		جمع	۱۵۲۱۳۵/۳۱	۹۹				
عقب مانده	گام اول	رگرسیون	۱۷۸۳۱/۷۳	۱	۰/۳۸۹	۰/۱۵۱	۱۷/۴۶۳	۰/۰۰۱
		باقیمانده	۱۰۰۰۷۰/۲۲	۹۸				
		جمع	۱۱۷۹۰۱/۹۶	۹۹				

به منظور بررسی سهم سبک های دلبستگی در پیش بینی عشق ورزی والدین دانش آموزان عادی و عقب مانده ذهنی از روش تحلیل رگرسیون چند متغیری برای هر دو گروه والدین بطور جداگانه استفاده شد. میزان R²، نشان می‌دهد که در گروه والدین دانش آموزان عادی در گام اول، سبک های دلبستگی ۵/۹ درصد از واریانس عشق ورزی و در گروه والدین دانش آموزان عقب مانده ذهنی نیز سبک های دلبستگی ۱۵/۱ درصد از واریانس عشق ورزی را پیش بینی می‌کند. F محاسبه شده برای هر دو گروه در سطح ۰/۰۵ معنی دار می‌باشد.

جدول ۸: ضرایب رگرسیون برای پیش بینی عشق ورزی

گروه	گام	متغیر	b	خطای معیار	Beta	آماره t	سطح معنی داری
عادی	گام اول	ثابت	۱۶۲/۹۱۱	۱۶/۷۵۴		۹/۷۲۴	۰/۰۰۱
		ایمن	۲/۴۲۳	۰/۹۷۷	۰/۲۴۳	۲/۴۴۸۰	۰/۰۱۵
عقب مانده	گام اول	ثابت	۱۲۳/۹۵۰	۶/۵۷۹		۱۸/۸۴۱	۰/۰۰۱

نتایج جدول ۸ نشان می‌دهد که فقط در گام اول متغیر سبک دلبستگی ایمن قادر به پیش بینی عشق ورزی در والدین دانش آموزان عادی و عقب مانده ذهنی است و آزمون t برای معنا داری ضرایب رگرسیون در سطح کمتر از ۰/۰۵ معنا دار است. ضمناً ضریب استاندارد $Beta$ برای سبک ایمن در گروه والدین عادی ($Beta = ۰/۲۴۳$) کمتر از والدین دانش آموزان عقب مانده ذهنی ($Beta = ۰/۳۸۹$) است، ولی هر دو ضریب مثبت هستند که نشانگر رابطه مثبت بین سبک دلبستگی ایمن با عشق ورزی در هر دو گروه است.

بحث

نتایج بدست آمده در این پژوهش نشان می‌دهد سبک عشق ورزی در والدین کودکان عادی و عقب مانده متفاوت است. به این صورت که والدین کودکان عادی در مقایسه با والدین دارای کودک عقب مانده در سه مولفه سبک‌های عشق ورزی که شامل صمیمیت، شور و تعهد می‌باشند از میانگین نمرات بالاتری برخوردار هستند. با نگاهی به ادبیات پژوهش ملاحظه می‌گردد که این نتایج در راستای نتایج پژوهش‌های متعددی مثل (کازاک ۱۹۸۷؛ اسلوپر^{۳۹} و ترنر^{۴۰}، ۱۹۹۳؛ نقل از آین، ۱۳۸۸) است که نشان دادند تفاوت‌هایی بین خانواده‌های دارای کودکان مبتلا به عقب ماندگی ذهنی و خانواده‌های کودکان عادی دیده می‌شود. این تفاوت‌ها در میزان فشار روانی، عملکردهای منفی و ناسازگاری خانوادگی، درماندگی، فشارهای هیجانی و فشارهای مالی است که بیشتر در خانواده‌های دارای کودکان مبتلا به عقب ماندگی ذهنی گزارش شده است. تونالی و پاور (۱۹۹۰)؛ نقل از بانی، (۱۳۸۰) عوامل فشارزای این والدین را با نیازهای اساسی آنها مرتبط دانسته و معتقدند از آنجا که این والدین نیازهای اساسی خود را در تهدید می‌بینند، بنابراین فشار روانی بالایی را تجربه می‌کنند. از نظر آنها ناتوانی والدین در برآوردن تعدادی از نیازها از جمله نیاز به امنیت، می‌تواند منبعی از فشارهای روانی برای این خانواده‌ها به همراه داشته باشد. علاوه بر این محدودیت‌های اجتماعی که این والدین در زندگی پیدا می‌کنند می‌تواند منجر به احساس خصومت و همچنین اضطراب بیشتر در آینده گردد. این احساس ممکن است بر روی افراد خانواده اثر بگذارد که در نتیجه به مشکلات زناشویی بیشتر و درهم شکستن خانواده منجر گردد.

همچنین اریکسون و آپشور (۱۹۸۹)، هانت و مارشال (۱۹۹۴) نشان دادند که تمام روابط درون خانواده، می‌تواند به وسیله حضور یک کودک استثنایی اثر پذیرند که منجر به آسیب پذیری روابط زناشویی، کاهش در رضایت از زندگی، تنش و خصومت بیشتر و دور کردن بیشتر زوجین در سال‌های بعد از تولد کودک عقب مانده خواهد شد. همچنین نتایج این پژوهش نشان می‌دهد در گروه والدین دانش آموزان عادی و عقب مانده ذهنی بین نمرات سبک دلبستگی ایمن با عشق ورزی همبستگی مثبت معنادار وجود دارد. به طوریکه با افزایش سبک دلبستگی ایمن در هر دو گروه، عشق ورزی افزایش می‌یابد. همچنین در گروه والدین دانش آموزان عادی، بین سبک دلبستگی اجتنابی و عشق ورزی رابطه منفی معنی دار وجود دارد. به این صورت که با افزایش سبک اجتنابی، عشق ورزی کاهش می‌یابد. این نتایج با دیدگاه بانز (۲۰۰۴؛ نقل از آزموده، ۱۳۸۸) که اظهار می‌دارد به طور کلی دلبستگی ایمن با عشق پخته و دلبستگی غیرایمن با اشکال ناپخته عشق رابطه دارد و همچنین با دیدگاه فینی (۱۹۹۱)؛ نقل از کسیدی و شیور، (۱۹۹۹) که معتقد است افراد ایمن، باورهای مثبت در مورد خویش و دیگران دارند، رفتار آنها صمیمانه و

^{۳۹} Slowper

^{۴۰} Turner

بدون نگرانی از رها شدن است، از روابط رضایت‌بخشی برخوردارند و ارتباطشان تداوم بیشتری دارد و شانس آن‌ها در تجربه عشق پخته و حفظ شادی و سلامتی بالا تر است، همسو می‌باشد.

از دیگر نتایج این پژوهش این بوده که میانگین نمرات سبک‌های دلبستگی ایمن و اجتنابی در والدین کودکان عادی بالاتر و در سبک دلبستگی مضطرب دوسوگرا والدین دانش‌آموزان عقب‌مانده نمرات بالاتری دارند.

این نتایج همسو با دیدگاه میکولینسر^{۴۱} و شیور (۲۰۰۳) است که عنوان می‌کنند افراد دارای سبک دلبستگی ایمن، با پشتکار و اشتیاق به حل مسئله می‌پردازند، در برخورد با مشکل به جای آنکه عصبانی و خشمگین شوند، از اطرافیان خود کمک می‌خواهند و در مقابل والدین کودکان عقب‌مانده با توجه به شرایطشان و تجربه حوادث فشارزا، اضطراب و اجتناب بالاتری را تجربه می‌کنند، در هنگام برقراری ارتباط با دیگران مضطرب شده و تمایلی به اتکا به دیگران از خودشان نمی‌دهند، از انتظار صمیمیت زیاد با همسر یا نزدیکان خود می‌هراسند و کناره‌گیری می‌کنند، سریعاً ترس و خشم خود را ابراز می‌کنند و نسبت به همسران خود بی‌اعتمادند.

در نهایت نتایج این پژوهش بیانگر این هستند که در گام اول فقط سبک دلبستگی ایمن قادر به پیش‌بینی عشق‌ورزی در والدین دانش‌آموزان عادی و عقب‌مانده ذهنی است.

در تایید این نتیجه که سبک دلبستگی ایمن قادر به پیش‌بینی عشق‌ورزی در والدین دانش‌آموزان عادی و عقب‌مانده است باید اظهار داشت از دیدگاه روانشناسی تکاملی نوین، عشق در بزرگسالی همان سبک دلبستگی تغییر شکل یافته معنا می‌شود (آزموده، ۱۳۸۸)

همچنین کوباک^{۴۲} و اسکیری^{۴۳} (۱۹۹۸؛ نقل از برک^{۴۴}، ترجمه سیدمحمدی، ۱۳۸۴) بیان می‌کنند که افراد دارای دلبستگی ایمن مهمترین رابطه عشقی خود را برحسب اعتماد توصیف می‌کنند. این افراد خودشان را دوست داشتنی می‌دانند، به راحتی روابط صمیمانه برقرار می‌کردند، به ندرت از ترک شدن نگرانند و اضطراب و اجتناب کمی را تجربه می‌کنند. در نتیجه هنگامی که والدین دارای سبک دلبستگی ایمن هستند به طور معنادار عشق‌ورزی آن‌ها افزایش می‌یابد.

در پایان لازم به ذکر است از محدودیت‌های این پژوهش این است که فقط بر روی تعداد محدودی از والدین انجام گرفته و نمونه این پژوهش فقط در مورد کودکان ۱۰-۷ سال بوده است. همچنین یکی از متغیرهایی که در این پژوهش کنترل نگردیده، جنسیت والدین بوده است. لذا پیشنهاد می‌شود سایر پژوهشگران، بررسی سبک‌های عشق‌ورزی و دلبستگی را در مناطق مختلف کشور و سایر مقاطع سنی و همچنین با تفکیک جنسیتی والدین انجام دهند تا امکان مقایسه و تعمیم بیشتر نتایج فراهم گردد.

^{۴۱} Mikulincer

^{۴۲} Kobak

^{۴۳} Sceery

^{۴۴} Berk

منابع

- آزموده، معصومه (۱۳۸۸). مقایسه رابطه بهزیستی روانشناختی و ویژگی های شخصیتی والدین دانش آموزان استثنایی و عادی. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
- آین، ناهیده (۱۳۸۸). مقایسه عناصر تعهد و صمیمیت و شهوت بین خانواده ای دارای کودکان عقب مانده ذهنی CP و عادی شهر تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی. واحد تهران مرکز.
- استرنبرگ، رابرت جی (۱۳۸۲). قصه عشق نگرشی تازه به روابط زن و مرد. ترجمه: علی اصغر بهرامی. چاپ اول، تهران: انتشارات جوانه رشد.
- افروز، غلامعلی (۱۳۷۲). روانشناسی و توانبخشی کودکان قبالا به سندروم داون. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- بانی، سعید (۱۳۸۰). بررسی و مقایسه ویژگی های عاطفی مادران کودکان ناتوان هوشی و عادی در شهر تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی. واحد تهران مرکز.
- براهنی، محمد نقی و همکاران (۱۳۸۴). واژه نامه روانشناسی و زمینه های وابسته، تهران: فرهنگ معاصر.
- برک، لورا. ای (۱۳۸۴). روان شناسی ارشد: از نوجوانی تا پایان زندگی. ترجمه: یحیی سید محمدی. تهران: انتشارات ارسباران.
- پاتو، مژگان (۱۳۸۱). رابطه خود پنداره و نگرش های مربوط به عشق. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شهید بهشتی.
- پورافکاری، نصرت الله (۱۳۷۶). فرهنگ جامع روانشناسی - روان پزشکی، انگلیسی فارسی. جلد ۱ و ۲، چاپ دوم. تهران: انتشارات فرهنگ معاصر.
- حافظ الکتب، لیلی (۱۳۸۹). رابطه سبک های عشق و رضایتمندی زناشویی. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد. واحد تهران مرکز.
- رحیمیان بوگر، الحق (۱۳۸۵). رابطه سرسختی روانشناختی، خودتاب آوری و سبک دلبستگی با سلامت روان در جوانان و بزرگسالان. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران. انسیتو روان پزشکی تهران مرکز. تحقیقات بهداشت و روان.
- رضازاده، معصومه (۱۳۸۸). تبیین ابعاد عشق ورزی بر اساس سبک های دلبستگی. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشکده روانشناسی دانشگاه علامه طباطبایی.
- صدقی طارمی، علی رضا (۱۳۷۵). رابطه میان سبک های دلبستگی و انواع عشق در دانشجویان متأهل شهید بهشتی. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شهید بهشتی تهران.
- فرانکن، رابرت لی (۱۳۸۴). انگیزش و هیجان. ترجمه: حسن شمس آباد و غلامرضا محمودی و سوزان امامی پور. تهران: نشر نی.

- **Brown. N. M. & Amatea, E. S. (2000).** Love and intimate relationships, Journal of the heart. Philadelphia: Taylor & Francis.

- **Bowlby, J. (1980).** Attachment and Love (Vol.I). Newyork, Basic Books.

- **Cassidy, J. & Shaver, P. R. (1999).** Handbook of attachment. The Guilford press. Newyork.

- **Collins, N. I. & Feeney, B. C. (1990).** A haven an attachment theory perspective on support seeking and caregiving in intimate relationships, Jornal of personality and

social psychology

- **Ditzen**, B. ; Schmidt, S. ; Strauss, B. ; Nater, U.M.; Ehlert ,U.(2008).Adultt social support interact to reduce psychological but not cortical responses to stress. J Psychosom Res. 64 (15): 479-86.
- **Dwyer**, D.(2000) Interpersonal relationships, London: Routledge.
- **Feeny**, J.M.(1995). Adult Attachment and Emotional cont. personal Relationships. 2,P 143-159.
- **Fricker**, J. (2006). Predicting Infidelity: The Role of Attachment Styles, Love styles, and the Investment Model, Unpublished Doctoral Thesis. Australia: Swinburne University of Technology.
- **Hazan**, C.& shaver, P.R.(1987) Romantic Love conceptualized as an attachment process. Journal of personality and social psychology, 25, 511-524.
- **Mikulincer**, M. Shaver, D.(2003). Attachment theory and effect regulation. Motivation and emotion. 27, 77-102 C.
- **Mikulincer**, M. Shaver, D.(2007). Attachment in adulthood: Structure , dynamics , and change . NewYork: Guilford press.
- **Sternberg**, R.(1998). Love is a story – A new theory of relationships, Oxford university press.

